

عنوان:

راهبردی جامع نگر و نظام مند برای برنامه ریزی عملیاتی در ترویج بانگرس الگوسازی

تهیه کننده: جعفر غفاری

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

پست الکترونیک: j55ghaffari@yahoo.com

آذر ۱۳۸۸

چکیده

مهمترین سوال فراروی ترویج عبارتست از نقش ترویج در پیشبرد اهداف توسعه ای بخش کشاورزی. روند متداول فعالیتهای ترویجی، بیشتر عبارت است از تهیه فهرست فعالیت های ترویجی که می باید توسط واحدهای ترویجی در سطوح صف انجام گیرد. این فهرست فعالیت های پیش بینی شده که عموماً با واحدهایی نظیر کلاس ، تعداد ، ساعت ، نفر روز و ... تنظیم می شوند، فاقد ویژگی های لازم برای یک برنامه هستند. حاصل چنین روندی، اثر بخشی ناکافی فعالیت ها و مهمتر از همه جایگزین شدن روش به جای هدف می باشد. در نتیجه در ارزیابی این فعالیت ها، تنها به سنجش کمیت فعالیت ها اکتفا شده و بجای روشنگری، جایگاه ترویج را مبهم تر می نماید.

برای برون رفت از چنین وضعیتی و پاسخگو نمودن ترویج در قبال اهداف توسعه ای بخش کشاورزی و نیز ایجاد هماهنگی بین فعالیت های ترویجی و اقدامات حمایتی و اجرائی ، پیشنهاد میشود هرگونه اقدام و فعالیتی، اعم از حمایتی و ترویجی، در قالبی به نام برنامه عملیاتی به اجرا درآیند.

این برنامه ها باید به گونه ای طراحی شوند که برآورنده انتظارات برنامه های توسعه، بالاخص از بُعد بکارگیری صحیح عوامل و منابع تولید در راستای افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی باشند.

لازمه اینکار تعریف دقیق وظایف هر یک از زیربخش های اجرا، ترویج و تحقیقات و ایجاد هماهنگی بین آنها در سطوح ستادی میباشد تا نتیجه این هماهنگی، تدوین و اجرای برنامه های عملیاتی منسجم، غیرمتمرکز و از پائین به بالا، در سطوح محلی باشد.

در این برنامه ها ضمن همسو سازی اقدامات اجرایی - حمایتی و ترویجی - آموزشی، روشهای ترویجی و آموزشی با تلفیقی مناسب و در یک ترتیب وتوالی مشخص منطبق بر فرایند پذیرش، به شیوه ای کاملاً نتیجه گرا به کار گرفته می شوند. همچنین اهداف یا خروجی این برنامه ها، به گونه ای و با واحدهائی تعیین و تعریف می شوند که کاملاً قابل اندازه گیری باشند.

در این مقاله ضمن ارائه مدل برنامه مذکور، راهبرد آموزشی مبتنی بر الگوسازی نیز مطرح شده است.

واژگان کلیدی: برنامه عملیاتی، ایجاد هماهنگی، اقدامات اجرایی و حمایتی، اقدامات ترویجی و آموزشی، الگوسازی.

مقدمه

توسعه کشاورزی با تأمین مجموعه نهاده ها، امکانات و اعتبارات، ولی بدون تلفیق، هماهنگی و پشتیبانی تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی امکان پذیر نخواهد بود. انتظار غائی از اجرای برنامه های توسعه کشاورزی خارج از دو مقوله زیر نمیتواند باشد:

-افزایش میزان تولید محصولات کشاورزی

-بهبود کیفیت محصولات تولیدی

در فرآیند تولید محصولات کشاورزی اگر تولید را به عنوان یک متغیر وابسته در نظر بگیریم، اهم عوامل یا متغیرهای تاثیرگذار بر آن عبارت خواهند بود از:

-بستر یا محل تولید (زمین و آب، دامداری، ...)

-نهاده ها و امکانات مورد نیاز

-سیاستهای حمایتی (تسهیلات مالی، قیمت خرید، خرید تضمینی و ...)

-روشهای تولید

بدیهی است هیچیک از عوامل فوق به تنهایی کارکرد موثری نخواهد داشت. همانطور که زمینی مرغوب با آب مکفی یا یک واحد دامداری مجهز، قطعاً بدون وجود نهاده منجر به تولید نخواهد شد، تامین مناسبترین نهاده های تولید نیز بدون بکارگیری روشهای صحیح استفاده از آنها، مفید واقع نخواهد گردید. بنابراین سیاست راهبردی در پیشبرد اهداف برنامه های توسعه باید به گونه ای باشد که هریک از موارد مذکور، مکمل بقیه موارد باشد.

به عبارتی دیگر میتوان گفت توسعه بخش کشاورزی در کنار حمایت های اساسی که باید از این بخش به عمل آید، اعم از تأمین نهاده ها و ماشین آلات، خرید تضمینی محصولات، بیمه محصولات، تسهیلات مالی و غیره، بستگی مستقیم به توان دانشی و مهارتی جمعیت تولید کننده محصولات کشاورزی دارد. برای برآورد این جمعیت، با در نظر گرفتن $4/300/000$ خانوار بهره بردار روستایی و کشاورزی و با منظور نمودن حداقل ۳ نوع محصول یا موضوع مرتبط با هر خانوار، $12/900/000$ موضوع خانوار خواهیم داشت و اگر در هر خانوار ۳ نفر ارتباط مستقیم یا نسبی با تولید محصول داشته باشند، با جمعیتی حدود $39/000/000$ نفر مخاطب مواجه می شویم.

چشم انداز مطلوب برای ترویج این است که این جمعیت مولد، نه تنها خلاء دانشی نداشته باشند، بلکه برای به روز نمودن اطلاعات خود، دائماً متقاضی یافته های جدید تحقیقاتی از کانال ترویج و آموزش باشند.

ولی شواهد حاکی از آن است که در حال حاضر بسیاری از دانش و فنون کشاورزی که سالیان سال از ابلاغ و معرفی آنها به جامعه تولید کنندگان می گذرد و قطعاً یافته جدید تلقی نمی شوند، با اقبال کشاورزان مواجه نبوده و مورد عمل قرار نمی گیرند. با کمی تامل، مصادیق خیلی بارزی را از این گونه امور می توان در مراحل مختلف تولید محصولات زراعی، باغی، دامی و نیز بهره برداری از عرصه منابع طبیعی مشاهده نمود. اگرچه علت این امر را نمی توان صرفاً به دانش و مهارت تولید کننده نسبت داد و عوامل محدود کننده

مختلفی که در راس آنها مسائل اقتصادی قرار داد ، در این وضعیت ذی‌مدخل هستند ، اما آنچه بدیهی است توقف در چنین وضعیتی ، باعث توقف و رکود در سایر زمینه ها از جمله تحقیقات خواهد شد. تا زمانی که تولید کننده در حالت تولید سنتی متوقف باشد ، مسلماً نمی توان انتظار پویائی و به روز شدن را داشت. بنابراین برای رسیدن به چشم انداز مورد نظر باید شرایطی را فراهم آوریم که در طی یک برنامه مشخص ، اکثریت قریب به اتفاق تولید کنندگان و بهره برداران به حد دانش فنی شناخته شده فعلی و مهارت لازم برسند.

طرح مسئله

نظام ترویج کشاورزی کشور با طرح سوالات متعددی به چالش کشیده می شود. مهمترین سوال فراروی ترویج عبارتست از **نقش ترویج در پیشبرد اهداف توسعه ای بخش کشاورزی بالاخص افزایش تولید محصولات کشاورزی**. ترویج علیرغم فعالیت های فراوان و اثرگذار، به دلایل عدیده در اغلب موارد در قبال پاسخگویی به این سوال از اقبال خوبی برای مقبولیت پاسخ های داده شده برخوردار نبوده است.

گرچه یک نگرش واقع بینانه به روند طراحی و اجرای برنامه های توسعه کشاورزی، که اغلب با هدف دستیابی به افزایش کمی تولید ، با محتوای تکنیکی و فنی و با پیش بینی مواردی چون نهاده ها، تامین تسهیلات اعتباری و تضمین خرید محصول ، ولی بدون توجه لازم و کافی به عامل اصلی یعنی فرد تولیدکننده طراحی می شوند و در آنها نقش و جایگاه بایسته ای برای ترویج که بنا به رسالتش باید آگاهی دهنده و متحول کننده فرد تولیدکننده برای پیشبرد اهداف باشد دیده نمی شود ، ترویج را از پاسخ به چنین سئوالی معاف می دارد ، ولی در عین حال نگرش واقع بینانه دیگری به فرایند برنامه ریزی و اجرایی فعالیت های ترویجی ما را متوجه آن می کند که برنامه های عملیاتی ترویج اغلب عبارت بوده است از پیش بینی و تهیه فهرست عملیات و صورت کارهایی که هر سال می باید توسط واحدهای ترویجی در سطوح شهرستان یا دهستان انجام گیرد. این فهرست فعالیت های پیش بینی شده که عموماً توسط سطوح ستادی فرادست برای مروجان مستقر در سطوح صف و اجرا و با واحدهایی نظیر "کلاس" ، "تعداد" ، "ساعت" ، "نفر روز" و ... تنظیم می شوند، فاقد ویژگی های لازم برای یک برنامه از جمله تعیین و تعریف دقیق و مشخص **اهداف** هستند. در حالیکه مهمترین مواردی که در هر برنامه آموزشی باید مدنظر قرار گیرد عبارتند از: تعیین هدف رفتاری، مشخص نمودن رفتار ورودی مخاطبان، تنظیم برنامه اجرائی و ارزشیابی (حجازی ۱۳۷۵). و از سوی دیگر، اگر یک سازمان ترویج تلاش کند که تمام تصمیمات خود را در سطوح بالا اتخاذ کند، هرگز نخواهد توانست برنامه ای تولید کند که با نیازهای محلی هماهنگ باشد و مروجان محلی نیز به اجرای چنین برنامه هائی که خود هیچ نقشی در تهیه و تدوین آن نداشته باشند، اشتیاق نخواهند داشت (ون دن بن و هاوکینز ۱۹۸۸).

حاصل روندی که در فوق مورد اشاره قرار گرفت، اولاً اثر بخشی ناکافی فعالیت ها ، ثانیاً ضعف قابلیت کنترل و ارزیابی فعالیت ها و مهمتر از آن عدم امکان ارائه نتایج فعالیت ها می باشد. در نتیجه در ارزیابی این فعالیت ها، تنها به سنجش حجم کمی فعالیت ها اکتفا شده و نمی توان به صورت مستند، تاثیر اقدامات را در پیشبرد اهداف بخش ارائه نمود. در نتیجه گزارش نتایج ارزیابی ها ، بجای روشنگری، جایگاه ترویج را نزد مخاطبان گزارش ها و تصمیم سازان و تصمیم گیران ، مبهم تر می نماید.

به منظور ارائه راه حل مناسبی برای برون رفت از چنین وضعیتی و پاسخگو نمودن ترویج در قبال اهداف توسعه ای بخش کشاورزی، ضرورت دارد اشاره ای داشته باشیم به تعریف و فلسفه ترویج. در بین تعابیری که برای فلسفه ترویج وجود دارد، در این مقال به بیان شیوائی از دکتر شهبازی استناد میکنیم که می گوید:

"در ترویج مبنای رسیدن به تحول و توسعه ، یادگرفتن و یاد دادن است. از این رو فلسفه آن مبتنی بر تکامل "فرد" به عنوان واحد عملیات آموزشی - پرورشی است. فلسفه ترویج بر سه رکن : آموزش ، خودیاری و همیاری استوار است.

ترویج از طریق انتقال دانش ، ابداعات و مهارت های نوین موردنیاز جامعه ونیز مشاورت و تبادل اطلاعات ، وترغیب وتشجیع افراد به تفکر وجستجوگری ، آنان را به عنوان عناصر تشکیل دهنده جامعه ، آماده کسب آگاهی نوین و متعهد به مسئولیت های انسان در جامعه خویش پرورش می دهد.

ترویج " فرد" را پرورش می دهد که خود برپای خود استوار و متکی باشد، یا به عبارتی "خودیاری" باشد و نیز ترویج فرد را به گونه ای پرورش می دهد تا به یاری دیگران بشتابد و با الهام از اراده و انگیزه های پرورش یافته خودیاری در خویش "یاور" دیگران ، هم در مشاوره و تبادل اطلاعات و هم در اقدامات گروهی و اجتماعی در روند برنامه های توسعه باشد.

تکثیر این حالات مطلوب در ارزش های اجتماعی و افزایش تعداد این گونه افراد آموزش دیده و پرورش یافته در طول زمان به خودی خود اولین حرکت در راستای تحول ، توسعه و تکامل است. افراد آموزش دیده جستجوگر خودیار و همیار ، ذخایر اصیل جامعه برای تحول و توسعه هستند. ثمره این تحول در الگوهای رفتار بیرونی و معنوی اعضای جامعه ، موجب توسعه اقتصادی از طریق رشد کارآیی و توسعه عملیات و افزایش عملکرد فعالیت های تولیدی روزمره است" (شهبازی ۱۳۸۴).

در تعریفی دیگر از فلسفه ترویج داریم که:

"... لازم است امکانات آموزشی مساوی و متناسب برای همه افراد جامعه (بدون تبعیض) در رفع نیازهای فعلی و آتی آنها فراهم آید تا در قالبی آزاد و داوطلبانه افراد را به فراگیری بیشتر و تحقق اهداف به صورتی نظارت شده تشویق نماید" (ملک محمدی ۱۳۷۷).

حال سؤال این است که آیا با روال فعلی می توانیم تغییر و تحولاتی را آنچنان که در فلسفه ترویج بیان شد، در جمعیت تولیدکننده ای که به آن اشاره گردید و در افرادی که شیوه کارشان را از بوم و سرزمینشان فرا گرفته و به باور وعادت تبدیل شده ایجاد نمائیم ؟

آیا تشکیل یک کلاس ترویجی ۲ ساعته، یا بازدید از یک مزرعه نمایشی، یا ارائه یک نشریه ترویجی میتواند در باور و عمل تحول ایجاد نماید؟

یا اینکه هر یک از این روش ها تاثیری در ابعادی از سطوح دانش ، بینش ، و مهارت فرد دارند ومجموعه این آثار می تواند منجر به تحویل و تحول در اندیشه و باور و عمل داشته باشد.

اگر چنین است آیا نباید هر یک از این روش ها در جای خود و در قالبی به نام برنامه ترویجی به اجرا درآیند؟

از سوی دیگر اقداماتی که ماهیت حمایتی داشته وتوسط زیربخش های اجرایی وزارت جهادکشاورزی انجام میشود نظیر تامین نهاده ها وماشین آلات، خرید تضمینی محصولات، ارائه تشهیلات مالی واعتباری و... آیا

نباید هماهنگی و ارتباط کاملی با فعالیت های ترویجی و نیز امور تحقیقاتی داشته باشد؟

تدوین برنامه عملیاتی

پیشنهاد ما اینستکه برای عملیاتی نمودن کلیه طرحها و برنامه های توسعه ای بخش کشاورزی و نظم دادن به فعالیت های گوناگون ترویجی و پاسخگو نمودن ترویج در قبال اهداف توسعه ای بخش کشاورزی و نیز ایجاد هماهنگی بین فعالیت های ترویجی و اقدامات حمایتی و اجرائی، اینگونه اقدامات، در قالبی به نام برنامه عملیاتی به اجرا درآیند.

آنچه مسلم است کلیه طرحها و برنامه های توسعه ای بخش کشاورزی، نهایتاً باید در سطوح محلی و در تشکیلات فعلی وزارت جهاد کشاورزی از طریق مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، مورد اجرا و پی گیری قرار گیرند. بنابراین نقطه اصلی توجه برای ایجاد هماهنگی و تدوین برنامه های عملیاتی باید مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی باشند.

بدین معنی که در سطوح ستادی بالاخص ستادهای وزارتی و نیز استانی باید وظایف تعریف شده برای هر زیر بخش با هماهنگی و همجهتی کامل انجام گیرند و در سطح مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی یعنی مقدم ترین سطح اجرائی وزارت، با پیروی از سیاستهای بالا به پائین، برای هر یک از محصولات و موضوعات مورد نظر یک برنامه عملیاتی تدوین گردد. و کلیه فعالیت ها و اقدامات لازم، در قالب این برنامه به اجرا درآیند.

یا به دیگر سخن نتیجه و برآیند هماهنگی امور باید تدوین و اجرای برنامه های عملیاتی در سطوح محلی باشد.

بنا براین، این برنامه ها باید به گونه ای طراحی شوند که برآورنده انتظارات برنامه های توسعه بالاخص از بُعد بکارگیری صحیح عوامل و منابع تولید در راستای افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی باشند.

شاخصه های این برنامه ها عبارت خواهد بود از :

- تعیین وضعیت موجود.
- تعیین وضعیت مطلوب (اهداف کیفی) .
- تعیین تقویم عملیاتی طرح منطبق با تقویم تولید .
- بکارگیری روشهای ترویجی و آموزشی با تلفیقی مناسب و در یک ترتیب وتوالی مشخص منطبق بر فرایند پذیرش.
- بکارگیری روشهای ترویجی آموزشی در این برنامه ها به شیوه ای کاملاً نتیجه گرا و جزء نگر.
- همسو سازی اقدامات اجرایی و حمایتی با فعالیتهای ترویجی و آموزشی.
- تعیین و مشخص کردن گروه هدف .
- پیش بینی امکانات و نهادهای مورد نیاز بهره برداران و نحوه تامین آنها.
- تعیین و تعریف اهداف یا خروجی برنامه ها به گونه ای و با واحدهائی که کاملاً قابل احصا و اندازه گیری باشند.

تعیین وضعیت موجود:

وضعیت موجود (که باید مبنای برنامه ها باشد) از طریق حضور در عرصه تولید و بررسی و تشخیص فاصله رفتار حرفه ای تولید کنندگان از وضعیت مطلوب تعیین گردیده و مبنای تعیین اهداف عملیاتی برنامه در ارتباط با گروههای هدف قرار خواهند گرفت. برای ارزشیابی اولیه رفتار حرفه ای هر یک از مخاطبین و ثبت وضعیت موجود آنان باید از فرم های مناسبی که برای محصولات و موضوعات مورد نظر طراحی می شوند استفاده شود. برای روشن شدن موضوع ، در انتهای این مقاله نمونه ای از فرمی که برای محصولات زراعی طراحی شده است ضمیمه میگردد (فرم شماره ۱ پیوست).

تعیین وضعیت مطلوب:

وضعیت مطلوب و مورد انتظار که در واقع هدف کیفی و رفتاری برنامه های عملیاتی تلقی خواهد شد باید از طریق تعامل و هماهنگی بین زیر بخشهای اجراء، تحقیق و ترویج و نمایندگانی از کشاورزان، بر اساس دستورالعملهای تحقیقاتی و فنی و با ملحوظ داشتن سیاستهای منطقه ای و امکانات محلی ، تعیین و تبیین گردند. این وضعیت باید در فرمهای مناسبی ثبت گردد. بدین منظور نیز فرمهایی طراحی شده است که نمونه ای از آن به پیوست ارائه میشود. (فرم شماره ۲ پیوست)

خروجی مورد انتظار:

خروجی این برنامه ها هر ساله تعداد مشخصی کشاورز خواهند بود که مهارت های لازم را پذیرفته و فراگرفته و در صورت فراهم بودن امکانات ، بکار خواهند گرفت (کشاورز ماهر). در گامهای بعدی و با برنامه ریزی منظم، هر ساله به صورت تصاعدی تعداد این گونه کشاورزان افزایش پیدا خواهد کرد، به نحوی که در یک مقطع زمانی مشخص اکثریت قریب به اتفاق آنان عامل به توصیه های فنی باشند. لازم به توضیح است که در اجرای این برنامه ها باید برای کشاورزانیکه به عنوان گروه هدف انتخاب میشوند شناسنامه ترویجی که نشان دهنده وضعیت او به ویژه از نظر رفتار حرفه ای و تولیدی باشد تهیه گردد.

تعریف کشاورز ماهر: کشاورز ماهر برای هر منطقه و در حوزه تحت پوشش هر مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی دهستان با توجه به پتانسیلهای توسعه کشاورزی منطقه دارای تعریف عملیاتی محلی خواهد بود (برای مثال تولیدکننده ای که حداقل ۲۰ درصد بالاتر از متوسط عملکرد منطقه ، تولید کرده و محصول تولیدی او به لحاظ باقی مانده سموم و کودهای شیمیایی در حد مجاز باشد و یا مثلا تولیدکننده ای که حداقل ۸۰ درصد توصیه های فنی را به کار بگیرد و ...).

راهبرد آموزشی در برنامه های عملیاتی (رهیافت الگوسازی)

تبیین این راهبرد بر اساس ملاحظات ذیل صورت گرفته است:

— فعالیتها و اقدامات مختلف ترویجی نظیر کلاس یکروزه ، بازدید آموزشی و ... که به صورت متعارف انجام می شوند نباید به هیچ وجه هدف برنامه تلقی شوند، بلکه میباید با تبعیت از یک نظام برنامه ای مشخص و با تلفیقی مناسب (مدیریت تلفیقی روشهای ترویجی) مورد استفاده قرار گیرند تا در نهایت منجر به

حصول به یک هدف ترویجی مشخص یعنی ایجاد "تغییر" گردند .

- در شرایط کشاورزی فعلی ، بسیاری از توصیه های فنی ، توسط کشاورزان مورد اقبال قرار نگرفته و اجرا نمی شوند.

- تجربه نشان می دهد که در جوامع انسانی بالاخص جوامع روستائی ، **الگوهای موفق** تأثیر بسزایی در تغییر دیدگاه ها و روشهای دیگران دارند.

راهبرد ترویجی آموزشی مورد استفاده برای حصول به اهداف برنامه **متکی بر الگو سازی** است؛ به این صورت که در وهله اول تعداد محدود و مشخصی از بین کلیه بهره برداران محصول یا موضوع مورد نظر ، با ملحوظ داشتن ویژگی های لازم، شناسائی و به عنوان گروه هدف تعیین می شوند و از طریق آموزش های مستمر در طول سال و با استفاده تلفیقی از روش های مناسب آموزشی - ترویجی با تأکید بر آموزش عملی در محل تولید ، به مرحله تغییر رفتار حرفه ای میرسند.

بدیهی است این افراد در جوامع روستایی به تدریج بر بقیه تأثیر گذار خواهند بود و نحوه عمل آنان می تواند **الگوی عملیاتی** بقیه قرار گیرد. در عین حال می باید در سال زراعی و یا دوره تولیدی بعد نیز نحوه رفتار حرفه ای این افراد، تحت نظارت و پیگیری ترویجی و آموزشی قرار گرفته و با برنامه ریزی منظم ، از وجود آنان برای تعمیم موضوع استفاده شود. با ادامه این روند باید انتظار داشت که تعداد کشاورزان ماهر، هر سال به طور تصاعدی افزایش یافته و در یک مقطع زمانی مشخص (مثلاً ۵ سال) اکثر قریب به اتفاق بهره برداران به مرحله دانش و مهارت لازم رسیده و توصیه های فنی را در محل تولید خود بکار گیرند.

مراحلی که در رابطه با هر محصول یا موضوع باید طی شود به شرح زیر است :

۱- انتخاب و تعیین روستاهایی که در مرحله اول باید مورد توجه قرار گیرند.
۲- درج نام و مشخصات کلیه تولید کنندگان محصول مورد نظر در هر روستا با استفاده از فرمهای مربوطه. (مطابق فرم شماره ۳ پیوست)

۳- پیش بینی و تشکیل یک جلسه آموزشی در هر یک از روستاهای منتخب، با دعوت از کلیه تولید کنندگان محصول مورد نظر و با هدف ارتقاء سطح **آگاهی** تولید کنندگان در مورد توصیه های فنی و شیوه های صحیح تولید.

۴- شناسایی و تعیین تعدادی از بهره برداران روستا به عنوان **گروه هدف** .
چون افراد منتخب به عنوان الگو مطرح خواهند بود لذا در انتخاب آنها باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:
- ترجیحاً نحوه عمل و رفتار حرفه ای آنان مطابق اکثریت تولید کنندگان روستا و عملکرد آنان در حد میانگین منطقه باشد.

- داوطلب و علاقمند به اجرای توصیه های فنی باشند.

- از مقبولیت اجتماعی نسبی و ارتباطات خوبی برخوردار باشند.

- حتی الامکان محل تولید آنان قابل دسترسی برای دیگران باشد.

۵- **ترغیب** افراد گروه هدف به اجرای توصیه های فنی در تمام یا قسمتی از واحد تولیدی خود.

برای این کار میتوان از روشهای مختلف استفاده نمود از جمله ملاقات انفرادی با افراد ، دعوت از آنان برای بازدید از یک مزرعه موفق، تشکیل یک کلاس آموزشی برای آنان با استفاده از یک کارشناس موضوعی یا

۶- تکمیل فرم شناسنامه و تعیین میزان مهارت و وضعیت رفتار حرفه ای آنان با استفاده از فرمهای مربوطه

(ارزشیابی اولیه یا تعیین وضعیت موجود).

۷- کمک و حمایت از این افراد از طریق هدایت و نظارت فنی در کلیه مراحل تولید و آموزش عملی آنان در حین کار (این مرحله مهمترین قسمت فرآیند آموزشی مورد نظر بوده و هدف از آن آموزش عملی گروه هدف و کمک به آنان در اتخاذ تصمیم و پذیرش قطعی توصیه ها می باشد؛ لذا باید توجه داشت که این افراد به نوعی در **مرحله آزمایش** و آزمون عملی توصیه ها هستند و بنابر این مثبت بودن نتیجه می تواند منجر به تغییر عقیده و نهایتاً پذیرش قطعی توصیه ها شود. همچنین محل تولید آنان نیز می تواند به عنوان واحد نمایشی مورد استفاده قرار گیرد).

۸- دعوت از سایر تولید کنندگان به بازدید از محل تولید این افراد در مراحل مختلف کار(هدف از این مرحله ترغیب سایر تولید کنندگان و دادن اطلاعات عینی به آنان است).

۹- اعزام گروه هدف به بازدید های آموزشی از واحد های نمونه و موفق در محدوده شهرستان یا استان و عند اللزوم خارج از استان(هدف از این مرحله افزایش اطلاعات و نیز کمک به آنان در **پذیرش قطعی** توصیه ها می باشد).

۱۰- گردهمایی کلیه تولید کنندگان ذیربط هر روستا در انتهای فصل تولید در یکی از واحد های تولیدی گروه هدف تحت عناوینی نظیر: جشن برداشت یا روز مزرعه و ... (هدف از این مرحله نمایش نتایج و **ترغیب بقیه** تولید کنندگان می باشد).

۱۱- استفاده از وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو، تلویزیون و نشریات در تمام طول سال در موقعیتهای مناسب به منظور ارائه دانش و آگاهی، ترغیب مخاطبان و تقویت اهداف آموزشی.

۱۲- تشکیل دوره های آموزشی تکمیلی (مثلا دوره های مهارتی) برای گروه هدف (هدف از این مرحله تکمیل اطلاعات، رفع اشکالات، تکمیل مهارت و کمک به آنان در اتخاذ تصمیم صحیح و تثبیت آن می باشد).

۱۳- انتخاب تعدادی از این افراد در صورت واجد شرایط بودن به عنوان مدد کار ترویجی و استفاده از آنان در تداوم برنامه.

مراحل فوق الذکر در سالهای بعد هم به همین ترتیب تکرار خواهند شد. البته هر سال با انتخاب تعداد بیشتری از تولید کنندگان بعنوان گروه هدف، تا اینکه اکثر قریب به اتفاق آنان توصیه های فنی را مطابق هدفهای برنامه فرا گرفته و بکار گیرند.

خلاصه ای از روند مذکور در جدول زیر نشان داده شده است.

لازم به توضیح است که در صورت داشتن برنامه عملیاتی مدون برای هر یک از محصولات و موضوعات مهم در محدوده یک مرکز ترویج و خدمات جهادکشاورزی دهستان، میتوان اجرای این برنامه را به بخش غیردولتی محول نمود. در چنین حالتی مرکز ترویج و خدمات جهادکشاورزی دهستان به عنوان برنامه ریز منطقه و ناظر و هادی برنامه ها ایفای وظیفه می کند و شرکت های خدمات مشاوره ای، فنی و مهندسی کشاورزی که با مشارکت فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی در حال شکل گیری هستند، نقش مجری برنامه های عملیاتی را ایفا می کنند. در جدول زیر در ستون مجری از این شرکتها تحت عنوان "شرکت" نام برده شده است.

ردیف	نوع فعالیت	هدف	گروه هدف	مجری	محل اجرا	تاریخ اجرا
مرحله ۱	تشکیل جلسه عمومی در زمینه موضوع مورد نظر در روستاها	اطلاع رسانی در رابطه با موضوع و ارائه توصیه های فنی - دعوت و ترغیب بهره برداران به اجرای توصیه ها - تعیین تعداد نفر از تولیدکنندگان روستاهای منتخب به عنوان گروه هدف اولیه	کلیه بهره برداران ذیربط هر روستا	مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی دهستان	روستاها	قبل از شروع فصل کاشت محصول
					۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	
مرحله ۲	تشکیل کارگاه مشورتی و توجیهی	ترغیب گروه هدف به اجرای توصیه های فنی و هماهنگی برای اجرای عملیات	گروه هدف اولیه	مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی دهستان با همکاری	مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی دهستان	قبل از شروع فصل کاشت
					واحد های	
مرحله ۴	مراجعه به بازدید گروه هدف کلیه افراد گروه تولیدی موفق هدف و ارائه آموزش عملی و مشاوره ای توسط کارشناسان موضوعی	تکمیل اطلاعات گروه هدف و تشویق و ترغیب آنان به اجرای توصیه ها ترغیب گروه هدف به اجرای توصیه ها و آموزش عملی مهارت ها	گروه هدف اولیه گروه هدف اولیه	شرکت "خدمات مهندسی کشاورزی" دهستان	تولیدی موفق با داشتن شرایط و امکاناتی مناسب تولید گروه هدف	در طول فصل ابتدای تولید انتهای فصل تولید
					از تاریخ ... تا تاریخ ...	

مرحله ۵	روز مزرعه یا برداشت محصول	بررسی نتایج کار با مشارکت بهره برداران و اطلاع رسانی مجدد به کلیه تولیدکنندگان روستا و دعوت و ترغیب آنان به اجرای توصیه ها و تعیین گروه هدف ۲ برای سال بعد	کلیه بهره برداران ذیربط روستا	مرکز ترویج با حضور و مشارکت کارشناسان "شرکت"	کلیه روستاهای منتخب (هر روستا یک مورد)	ترجیحا در مرحله برداشت یا زمانی که برتری واحد تولیدی مشخص باشد
مرحله ۶	دوره تخصصی و مهارتی	تکمیل دانش و مهارت گروه هدف و ترغیب آنان به ادامه اجرای توصیه ها	گروه هدف اولیه	مرکز ترویج با مشارکت کارشناسان "شرکت"	مرکز شهرستان، استان یا سایر مراکز آموزشی	در طول سال

نتیجه گیری و پیشنهاد

افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی در گرو مدیریت صحیح عوامل تولید از جمله بستر تولید، نهاده های کشاورزی و روشهای تولید قرار دارد. این عوامل زمانی می توانند بهره وری مطلوب داشته باشند که با تلفیقی مناسب به کار گرفته شوند.

مدیریت صحیح چنین موضوعی در عرصه ها و کانون های تولید، در وهله اول منوط به اهتمام و تصمیم سیاستگذاران و متولیان توسعه بخش کشاورزی می باشد. امید است پیشنهادهای که ذیلا به اختصار تقدیم می شود مد نظر و توجه قرار گیرد:

- ۱- تعریف دقیق وظایف و مسئولیت های زیربخش های اجرا، تحقیق و ترویج و نیز تعیین و تبیین چگونگی تعامل و هماهنگی آنان با همدیگر در پیشبرد اهداف توسعه ای بخش کشاورزی.
- ۲- تدوین نظام برنامه ریزی با نگاه موضوعی و محصولی در سطوح محلی، منطقه ای و ملی به منظور حرکت هدفمند، منظم و مستمر از وضعیت موجود به طرف وضعیت مطلوب. همانطور که قبلا اشاره شد، بهبود تولیدات کشاورزی مستلزم اصلاح فرایند تولید در تک تک مزارع و واحدهای تولیدی است، بنابراین گر چه در برنامه ریزی های سطوح ملی و استانی، اهداف به صورت کلان و تا حدی کلی پیش بینی می شوند، ولی در سطوح عملیاتی یعنی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی باید اهدافی کاملاً مشخص و قابل سنجش و ارزیابی، در راستای دستیابی به اهداف ملی تعیین شوند، تا بتوان ضمن عملیاتی نمودن اهداف مورد نظر در واحدهای تولیدی، دقت و صحت پاسخگوئی را نیز افزایش داد.
- ۳- سعی در حذف فاصله تشکیلاتی زیر بخش های اجرا، تحقیق و ترویج در سطوح صف و تعامل و همکاری مستقیم آنان در هدایت و نظارت فنی و ترویجی بر تدوین و اجرای برنامه های عملیاتی.
- ۴- تامین نیروی انسانی لازم برای مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی (به عنوان صف مقدم تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی و برنامه ریز و ناظر مقیم برنامه های عملیاتی) و نیز تامین کارشناسان متخصص در حد نیاز برای سطوح شهرستان و استان.
- ۵- برنامه ریزی برای استفاده از بخش غیر دولتی (البته به صورت مدون و حساب شده) برای اجرای برنامه های عملیاتی در سطح دهستان.

با توجه به گستردگی عرصه های کشاورزی و تعدد بهره برداران ، پیشنهاد میشود اجرای برنامه های عملیاتی (که با اهداف مشخص و قابل سنجش طراحی می شوند) به فارغ التحصیلان کشاورزی که در قالب شرکت های خدمات مشاوره ای ، فنی و مهندسی کشاورزی سازماندهی می شوند ، محول شود . البته به دلیل تجربه ناکافی در این زمینه ، طراحی برنامه های عملیاتی باید به گونه ای باشد که در سالهای اولیه کارشناسان بخش دولتی اشراف هدایتی و نظارتی کامل بر آنان داشته باشند.

فرم شماره ۱- بررسی نحوه عمل (رفتار حرفه‌ای) بهره بردار

مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی..... نام روستا نام محصول:.....

نام و نام خانوادگی بهره بردار..... سطح زیرکشتهکتار تاریخ

دلایل عدم اجرا					رعایت نمی شود	میزان اراضی که رعایت می شود (هکتار)	رعایت می شود	شرح عملیات
سایر	نبود اطلاعات	عدم تأمین بموقع نهاده	هزینه زیاد توصیه	فقدان امکانات جهت اجرا				
								اصول تناوب
								شیب مناسب
								تناسب بین آب موجود و سطح زیرکشت
								آماده سازی خاک قبل از کاشت
								زمان مناسب
								روش مناسب
								تعداد دفعات مورد نیاز

								نوع کود		کوددهی و تغذیه	
								کود پتاسه			
								کود فسفات			
								کود ازته			
								کود سبز گیاهی			
								نوع علف هرز		توصیه های گیاهپزشکی	
								مکانیکی			
								نشیمنی	روش مبارزه		
											زمان مناسب
											نوع و مقدار سم
								نوع بیماری			
								شیوه صحیح مبارزه			
								زمان مناسب			
								نوع و مقدار سم			
								ضد عفونی بذر قبل از کاشت			
								برداشت بموقع محصول		۹	

								کمباین	شیوه برداشت	
								دروگر		
								دستی		
								اصول حمل و نقل محصول		
								اصول انبارداری و نگهداری محصول		

فرم شماره ۲- توصیه های فنی (وضعیت مطلوب) محصول....
 استان.....شهرستان....

شرح عملیات				توصیه های فنی (وضعیت مطلوب)	
انتخاب زمین مناسب	نوع خاک				
	رعایت اصول تناوب				
	شیب مناسب				
	تناسب بین آب موجود و سطح زیرکشت				
زمان مناسب روش مناسب تعداد دفعات مورد نیاز	زمان مناسب				
	روش مناسب				
	تعداد دفعات مورد نیاز				
آماده سازی خاک قبل از کاشت					
کوددهی و تغذیه	نوع کود	مصرف مقدار صحیح	زمان مصرف	روش صحیح مصرف	
	کود پتاسه				
	کود فسفات				
	کود ازته				
	کود سبز گیاهی				
	کود حیوانی				
	کود ریزمغذی				
کاشت	استفاده از بذور اصلاح شده	رقم ۱	رقم ۲	رقم ۳	رقم ۴
محصول برداشت	برداشت محصول				
	اصول حمل و نقل محصول				

فرم شماره ۳ - فهرست کشاورزان تحت پوشش برنامه عملیاتی محصول

ردیف	نام و نام خانوادگی	نوع کشت (آبی،دیم)	سطح زیرکشت	تعداد قطعه	میانگین تولید	موقعیت کشاورز (مددکار، نمونه، عضوشورا، ...

منابع مورد استفاده:

- ۱- حجازی، یوسف ، مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی ، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی ، ۱۳۷۵.
- ۲- سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۸۶ .
- ۳- شهبازی، دکتر اسماعیل، توسعه و ترویج روستائی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ .
- ۴- ملک محمدی ، ایرج ، ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ، تهران- مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۷۷ .
- ۵- ون دن بن و هاوکینز ۱۹۸۸، ترویج کشاورزی (ترجمه دکتر محسن تبرائی - دکتر اسدالله زمانی پور) ، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ، ۱۳۸۵ .

A comprehensive and systematic strategy for developing Action Plan in extension by modeling approach

By : Jafar Ghafari

Abstract

The most important question from extension is the role of extension in progression of developmental objectives in agriculture sector. The most common process of extension activities, emphasizes on making a list of extension activities which has to be prepared by extension main offices. The list of considered activities that usually contains parameters like: classes, number, timing, person/day, etc. don't have necessary features of a program. Results of such process are not sufficient effects and the most important option is replacing 'method' instead of 'objective'. Consequently, in assessment of these activities, focus has been made on their quantity, which intensifies the vagueness of extension situation, instead of its further transparency.

For exiting of such situation and making extinction responsibility to developmental objectives in agriculture extension and setting relation between extension's activities and supportive and operational actions, it is suggested that, any action and activity, either supportive or extensional, should be conducted under the disguise of formal "Action Plan".

This program must be designed as such that leads us to realization of agricultural objectives, specially in the view of sound use of production resources and facilities for increasing the quality and quantity of agro crops. To this end, clear definitions of missions and visions must be made for all divisions involved including execution, extension and research. We must coordinate among these entities. At staff levels, the result of this coordination would come up with an integrated, decentralized and bottom-up programming of action plans at field scale.

In this program, beside co-directing supportive-executive actions and education-extension methods, focus will be made on use of tailor-made, integrated and result-oriented extension services. In addition, the output of these programs must be defined with some measurable indices for further evaluation.

In this article, concurrent to introducing this model, few educational remedies are also forwarded based on modeling approach.

Key words: Action Plan, Coordinating, Executive and supporting activities, Extension activities, Modeling approach